

# Islamic Republic of Iran's Legislative Reactions towards natural persons and legal persons Terrorist

Mohammadjavad Aghabagheri  
Behzad Razavifard

## Abstract

With more than 17000 terror victims, Iran is one of the biggest victims of terror and the Islamic Republic is one of the main advocates of countering terrorism. Despite this fact, a closer look at Iranian criminal law shows that terrorism has not been recognized as a crime so far. Since legislation is affected by such factors as an emerging social dilemma or a neglected crime in the current law, studying causes of lacking such legislation and the government's policy towards it is taken as a research area and this raises the main question of what legislative reactions are envisaged in the set of laws of the Islamic Republic of Iran in order to fight terrorism, including terrorist individuals and terrorist groups and organizations.

**Keywords:** legislative policy, terrorism, terror, criminalization, terrorist natural persons and legal persons



CC BY-NC-SA

## واکنش تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی تروریست<sup>۱</sup>

محمدجواد آقاباقری<sup>۲</sup>

بهزاد رضوی فرد<sup>۳</sup>

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۱۷۰۰۰ شهید ترور، یکی از بزرگترین قربانیان تروریسم و در شمار مدعیان اصلی مبارزه با این پدیده‌ی شوم به حساب می‌آید. با این وجود نگاهی به قوانین کیفری ایران، مؤید این واقعیت است که تاکنون نسبت به جرم‌انگاری این پدیده‌ی مجرمانه اقدامی درخور صورت نگرفته است. از آنجا که تقنین، متأثر از عواملی همچون وجود یک معضل اجتماعی نوظهور و تولد یک بزهکاری مغفول در قوانین موجود است؛ بررسی علل عدم جرم‌انگاری تروریسم و اصولاً سیاست تقنینی دولت در قبال آن، محل تأمل و درخور تحقیق قرار گرفته و این سؤال اصلی را موجب شده است که چه واکنش‌های تقنینی در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران به منظور مبارزه با تروریسم اعم از اشخاص حقیقی تروریست و گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی پیش‌بینی شده است.

شیوه‌ی تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات بوده و نتیجه‌ی حاصل نیز تأکید بر انطباق برخی از حدود و تعزیرات با برخی مصادیق اقدامات تروریستی به عنوان دلیلی بر تعلل موجود در جرم‌انگاری این پدیده است که البته در خصوص امکان محکومیت شخصیت‌های حقوقی تروریستی، خلأ قانونی وجود داشته و همچنین با توجه به لزوم ایجاد هم‌زمانی کیفری با نظام بین‌المللی؛ جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از چاره‌اندیشی برای معضل قانونگذاری پراکنده، توسعه‌ی کمی و کیفی قوانین و جرم‌انگاری و تدوین قانون جامع مبارزه با تروریسم خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** سیاست تقنینی، تروریسم، ترور، جرم‌انگاری، اشخاص

حقیقی و حقوقی تروریست.

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۹/۰۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

۲- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه عدالت، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول  
stu-maghabagheri@edalat.ac.ir

۳- دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## درآمد

شکل‌گیری مفهوم تروریسم را می‌توان همزمان با تشکیل حکومت‌ها و دولت‌ها دانست؛ منتها شکل آن در طول تاریخ، تغییر پیدا کرده است. در شکل سنتی، انگیزه‌ی ترورها به معنای قتل‌های پنهانی، بیشتر فردی بوده است. بدین معنا که فرد به منظور ارضای نیاز و برای دستیابی به مقاصدی همچون انتقام‌جویی دست به ترور می‌زد اما از قرن شانزدهم به بعد، ترور تا حد زیادی در مجموعه‌ی واژگان سیاسی ورود پیدا کرده و از حالت فردی خارج شد و شکل گروهی به خود گرفت. این شکل گروهی باعث شد که ترور به عنوان یک شیوه‌ی تأثیرگذار مطرح شود و افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود اقدام به ترور کنند.

در دهه‌های اخیر، ظهور و بروز گروه‌های تروریستی جدید و گسترده، مفهوم تروریسم را دستخوش تغییرات و تحولاتی نموده است. گستردگی این اقدامات و رشد خزنده‌ی آن، بسیاری از کشورهای دنیا را بر آن داشت که در مقام پیشگیری و یا مبارزه با این پدیده، نسبت به وضع قوانین و جرم‌انگاری صور مختلف آن به صورت داخلی و یا در سطح بین‌المللی در قالب کنوانسیون‌های متعددی اقدام نمایند. تلاش‌هایی که به دلیل عدم وحدت بر سر تعریف تروریسم، تاکنون جامعه‌ی بین‌المللی را در دستیابی به یک سند جامع و با مقبولیت همگانی در این رابطه ناکام گذاشته است.

در این میان با توجه به ظهور بسیاری از گروه‌های جنایتکار تروریستی در منطقه‌ی غرب آسیا و قربانی شدن هزاران انسان بی‌گناه از جمله مردم ایران؛ طبعاً سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران به معنای «مجموعه‌ی مکانیسم‌ها و روش‌هایی که هیئت اجتماع، با استفاده از آن‌ها واکنش‌های علیه واقعیت مجرمانه را سازمان می‌بخشد» (لازرژ، ۱۳۷۵: ۱۲) می‌بایست حداقل در حوزه‌ی سیاست تقنینی به تحرک می‌افتاد و به عنوان تابعی از وضعیت روز جامعه و نیاز دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده‌های جدید، زمینه را برای سازماندهی اقدامات واکنشی علیه تروریسم، هموار می‌نمود. اما بر خلاف تصور، در طول سالیان متمادی شاهد ورود جدی دستگاه تقنین به

مسئله‌ی تروریسم نمی‌باشیم.

از این رو سؤالات متعددی نیازمند تحلیل و بررسی می‌گردد؛ از جمله این که:

آیا دستگاه قضایی ج.ا.ا. تاکنون در برخورد با پرونده‌های تروریستی، مشکلی نداشته و قوانین موجود کافی بوده است؟

آیا دستگاه قضا در تعامل با کشورهای مختلف دنیا، هیچ‌گاه به ضعف قوانین در این رابطه پی نبرده و اصولاً احساس نیاز ننموده است؟

اگر دستگاه قضا نیازمند تدوین و تقنین قوانین مربوطه بوده و این نیازمندی خود را به مقام تقنینی اعلام داشته پس چرا تاکنون اقدامی درخور صورت نگرفته است؟

آیا وجود سبقه‌ی تعارض در سیاست تقنینی و قضایی موجود، موجب چاره‌جویی‌های شخصی قضات در حل پرونده‌ها شده و این موضوع به صورت یک مسئله و نیازمندی اساسی برای دستگاه تقنینی مطرح نشده است؟

و دیگر سؤالاتی از این دست که مجموعاً می‌تواند موجب فهم سیاست تقنینی ج.ا.ا. در قبال این پدیده‌ی نوظهور باشد.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. معنای لغوی ترور و تروریسم

«ترور»<sup>۱</sup> و «تروریسم»<sup>۲</sup> از واژه‌هایی است که از فرهنگ و ادبیات غرب وارد مجموعه‌ی واژگان زبان فارسی شده و درباره‌ی تروریسم و مشتقات آن، مباحث و تعاریف متعددی ذکر شده است.

صرف نظر از بررسی دیدگاه حقوق دانان و قانون‌گذاران درباره‌ی این واژه، می‌توان در فرهنگ‌های لغت ادبی و یا سیاسی و همچنین در کلام سیاست‌مداران و صاحب‌نظران نیز تعاریف چندی را به دست آورد.

1- Terror (En)

2- Terrorism

در فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی آمده است که ترور به معنی «ترس زیاد و وحشت» و تروریسم یعنی «حکومت ارباب و تهدید، با تهدید و ارباب کاری انجام دادن، تهدید به قتل و آدم‌کشی کردن، ایجاد ترس و وحشت در میان مردم» (آریان پور کاشانی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۵۷۰۴)

البته این احساس ترس و هراس از هر چیزی ممکن است ناشی شود اما آنچه در این زمینه مورد نظر می‌باشد، خشونت‌های سیستماتیک است که گروهی از افراد را همواره در حالت رعب و وحشت نگه می‌دارد.

دانش‌نامه‌ی جنگ و صلح، ترور را به معنی سلب امنیت به شیوه‌های غافل‌گیرانه و غیرقانونی با اهداف سیاسی آورده است. (افتخاریان، ۱۳۸۰: ۴۸۹)

در فرهنگ دهخدا آمده است که «ترور مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله‌ی اسلحه است و در فارسی متداول شده است. این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده و تروریست به شخصی اطلاق می‌شود که با اسلحه، مرتکب قتل سیاسی بشود. تروریسم در زبان فارسی به اصلی گفته می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد.» (دهخدا، ۱۳۴۳: ج ۱۴، ۵۶۹)

همچنین در فرهنگ فرهیخته، در تعریف ترور آمده: «کشتن ناگهانی و غافل‌گیرانه، خشونت با هدف انهدام و ویرانی» (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۲۸۴)

اما در میان منابع غربی، واژه‌ی «ترور»<sup>۱</sup> در فرهنگ جامع فرانسوی روبر؛ به معنای ترس شدید، دلهره، وحشت، هراساندن<sup>۲</sup> و امثالهم آمده و در فرهنگ اُشیت، از آن به احساس ترس شدیدی که مانع عمل می‌گردد،<sup>۳</sup> تعبیر شده است. در دانش‌نامه‌ی بزرگ لاروس نیز علاوه بر ذکر معنای ترس شدید فلج‌کننده<sup>۴</sup> برای ترور، آن را نامی معرفی می‌نماید که به دو مقطع زمانی در انقلاب فرانسه (یعنی از ماه اوت

1- Terreur (Fr)

2- Peur extrême qui affole, Crainte, effroi, Terrifier (Robert, T5, 1964: 524)

3- Sentiment de peur intense qui empêche d'agir (Amiel, 1987: 1098)

4- Peur violente qui paralyse

تا سپتامبر ۱۷۹۲ میلادی و از سپتامبر ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ میلادی) اختصاص یافته است، دو مقطعی که به کشتار و اعدام شماری از مظنونین شناخته می‌شوند.<sup>۱</sup> دانش‌نامه‌ی معتبر کلمبیا، ذیل واژه‌ی «ترور»<sup>۲</sup> به حکومت وحشت یعنی مقطع زمانی بین سال‌های ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴ میلادی از انقلاب فرانسه و مشخصه‌ی آن با موجی از اعدام‌های دشمنان احتمالی دولت<sup>۳</sup> اشاره داشته و در فرهنگ وبستر و آکسفورد، این واژه به معنای ترس شدید<sup>۴</sup> آمده است. فرهنگ جامع حقوقی بلک نیز معنای ترساندن و وحشت<sup>۵</sup> را برای واژه‌ی «ترور» برگزیده است.

در خصوص تروریسم، در ترمینولوژی حقوق آمده که «تروریسم را کارهای جنائی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه‌ی مردم کشور گفته‌اند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۵۰)

تروریسم، خشونت غیرمنتظره و غیرمعمول است که بیشتر برای تحت فشار قرار دادن یا ارباب به کار می‌رود؛ همچنین به معنای نفوذ در رفتار سیاسی مخالفان از طریق حمله و تهدید اهدافی است که بیش از اهمیت مادی جنبه‌ی نمادین دارد؛ به همین جهت قربانیانش غالباً شهروندان هستند. (افتخاریان، ۱۳۸۰: ۴۹۰)

## ۲-۱. معادل واژه‌ی ترور در حقوق اسلام

از آنجا که سیاست جنایی در تقسیم‌بندی حقوقی ایران، مبتنی بر تعالیم شریعت اسلام است و از این نظر دین به منزله‌ی یک نهاد اجتماعی تلقی نمی‌شود،

1- La Terreur, nom donné à deux périodes de la Révolution française (août-sept. 1792 et sept. 1793- juill. 1794). Caractérisées par des massacres et l'exécution de nombreux suspects. (Jeuge-Maynard, T2, 2008: 1369)

2- Terror

3- Reign of Terror, 1793-94, period of the FRENCH REVOLUTION characterized by a wave of executions of presumed enemies of the state. (Columbia University, 1993: 2298)

4- Intense fear (Guralnik, 1984: 1469) (Little, v 2, 1973: 2268)

5- Alarm, Fright (Campbell Black, v 4, 1979: 1321)

بلکه جوهر اجتماع، اساس فرهنگ، مبنای اقتصاد و منشأ قانون است؛ (نجفی توانا، ۱۳۸۶: ۵) بنابراین، بررسی معادل ترور در متون شرعی و میزان تأثیرگذاری آن در قوانین مربوطه، از اهمیت به سزایی در تبیین سیاست تقنینی مدنظر برخوردار خواهد بود.

بررسی منابع فقهی حاکی از آن است که برای واژه‌ی ترور، دو معادل «فتک» و «اغتيال» وجود دارد.

در لسان العرب، ذیل تعریف این واژه (فتک) به معنای شخصی آمده است که فردی را بی‌خبر و از سوی غفلت بکشد و نیز به معنای شخصی است که از غفلت فرد دیگر استفاده می‌کند و او را می‌کشد.<sup>۱</sup>

اغتيال به معنای پنهانی و به شکلی که مقتول با خبر نشود کسی را از پای در آوردن آمده است.

در برخی از فرهنگ‌های ادبیات عرب واژه‌ی «الغیله» به معنای مکر و فریب، غافلگیر کردن و کشتن آمده است. از این رو «قَتَلَهُ غِیْلَهُ» یعنی او را فریب داد و با خود به جایی برد و او را به قتل رسانید. (معلوف، ۱۳۸۷: ۱۲۷۹)

در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز نزدیک به همین معانی آمده: «هلاک کردن، به ناگاه کشتن، بخدعه کشتن، فریب دادن و آنگاه به جای خلوت بردن سپس کشتن یا در پنهانی کشتن» است. (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۷، ذیل واژه‌ی اغتيال)

صاحب کتاب غریب الحدیث در بیان تفاوت میان «فتک» و «غیله» می‌نویسد: فتک آن است که شخصی بر کسی وارد شود، در حالی که او (نسبت به توطئه نسبت به او) غافل است، دیگری او را به دام اندازد و به قتلش برساند و غیله آن است که کسی بر علیه شخصی خدعه نماید و آن شخص را در مکان پنهانی به قتل رساند.<sup>۲</sup> زمخشری تفاوت فتک و غیله را ای‌گونه نوشته است: «فتک، استفاده کردن از غفلت مقتول و کشتن او به صورت آشکار است و غیله، کمین کردن در مکانی و کشتن

۱- هو القتل أو الجرح مجاهره و کل من قتل رجلا غارا فهو فاتک... قال ابو عبید: الفتک أن یاتی الرجل صاحبه و هو غارٌ غافل حتی یُسَدَّ علیه فیقتله. (ابن منظور، ۱۴۱۶ ه.ق: ج ۳، ذیل واژه-ی فتک)

۲- الفتک: أن یأتی الرجلُ صاحبَه و هو غارٌ غافلٌ فیسُدَّ علیه فیقْتَلُهُ، و أمَّا الغیْلَه: فهو أن یخدَعَهُ حَتَّى یخرُجَ إلی مَوْضِعٍ یخْفی فیهِ فیقْتَلُهُ. (جوزی، عبد الرحمن، ۱۴۰۵ ه.ق: ج ۲، ۱۷۵)

مقتول به صورت پنهانی است.»<sup>۱</sup>

با وجود اختلافی که در معنای دو واژه‌ی فتک و غیله (اغتيال) ذکر شد، اما هردوی آن‌ها در معنایی نزدیک به هم و معادل ترور به کار برده می‌شود. واژه‌ی دیگر مصطلح در ادبیات عرب، «ارهاب» است که به معنای ترسانیدن و به وحشت انداختن می‌باشد.

به همین دلیل «الحکم الإرهابی» به معنای حکومت ترور و وحشت آمده و «الإرهابی» به معنای تروریست است. (بوستانی، بی‌تا: ۹۹)

«إرهاب دُولی» نیز به معنای تروریسم دولتی، تروریسم بین‌المللی، و «شَبکه إرهاب» به باند ترور و شبکه‌ی ترور ترجمه شده است. (میرزایی، ۱۳۷۶: ۵۷)

بنابراین ارهاب در معنای کلی آن به مفهوم ترساندن، ایجاد ترس و وحشت، تهدید نمودن، هشدار مسلحانه، خشونت و ارباب می‌باشد. این معانی، نزدیکی مفهومی بسیاری با اصطلاح ترور را دارا می‌باشند. (فیض الهی، ۱۳۸۹: ۹۶) لکن این واژه در ادبیات حقوق اسلام به اندازه‌ی دو واژه‌ی قبل، صراحت در ترور ندارد.

به طور مثال در آیه ۶۰ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال از این کلمه به معنای ترس و ترساندن استفاده شده است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله‌ی آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

آنچه که در بحث معادل واژه‌ی ترور در حقوق اسلام مطرح شد، بیشتر از باب دلالت بر نفی چنین شیوه‌ای در شریعت اسلام و اثبات مبری بودن این آئین آسمانی از چنین اقداماتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. روایات متعددی همچون «الایمانُ قَيْدُ الْفَتْكِ» (طبرسی، ۱۳۹۹ ه.ق: ۲۲۳) یعنی ایمان، فتک را تقیید و منع می‌کند؛ که جملگی مؤید عدم تجویز چنین شیوه‌ای در اسلام بوده؛ مباحثی که نگارنده در مقاله «بررسی و تحلیل ادله‌ی اثبات و نفی ترور در اسلام» به طور مشروح بدان پرداخته است.

۱- الفَصْلُ بَيْنَ الْفَتْكِ وَالْغِيلَةِ: أَنَّ الْفَتْكَ هُوَ أَنْ تَهْتَبِلَ غَزْتَهُ فَنَقَلْتَهُ جِهَارًا؛ وَالْغِيلَةُ أَنْ تَكْتَمِنَ فِي مَوْضِعِ فِتْنَتِهِ خَفِيَةً. (زمخشری، محمود، بی‌تا: ج ۳، ۸۸)



لکن در این بحث پیش‌رو لازم به ذکر است که حقوق اسلام فارغ از توجه به شیوهی ارتكابی (غافل‌گیرانه، پنهانی، و...) نتیجه‌ی فعل مجرمانه یعنی قتل را در فتک و اغتیال، مدنظر قرار داده و برای آن قصاص، تعزیر و در مواردی همچون کثرت قتل کافر ذمی و یا مجنون، از باب افساد فی الارض، در مبحث حدود وارد دانسته است و در نتیجه شاهد جرم‌انگاری استقلالی این دو عنوان در فقه اسلامی نیستیم.

### ۱-۳. مفهوم سیاسی اجتماعی تروریسم

ترور مفهومی وسیع‌تر از تروریسم سیاسی دارد، اما آنچه در دنیای امروز اهمیت پیدا کرده است، تروریسم با اهداف سیاسی است که حساسیت‌برانگیز شده است. گروه‌های سیاسی، غالباً با رفتاری وحشت‌زا در پی متوجه ساختن افکار عمومی به خود و اعلام نظریات و خواسته‌هایشان به دولت‌ها هستند. از این رو پدیده‌های تروریستی در دل خود، پیام‌های سیاسی در بردارند.

جامعه‌شناسان و متخصصان علوم سیاسی نیز درباره‌ی تبیین مفهوم تروریسم و ترور، تلاش‌های فراوانی نموده‌اند. با این حال تروریسم به عنوان یک پدیده در عالم سیاست، هنوز تعریف مشخص و مورد اجماعی ندارد و هر کس بر اساس دیدگاه و منافع خود آن را تعریف می‌کند.

«الکس اش‌مید» در اثر خود به نام «راهنمای تحقیق درباره‌ی مفاهیم، نظریه‌ها، اطلاعات پایه و تألیفات پایه در باب تروریسم سیاسی» به کمک گروه‌های تحقیقاتی، بیش از یکصد تعریف را درباره‌ی تروریسم مطرح کرده است.<sup>۱</sup>

برخی از نویسندگان، این تعریف را نتیجه‌ی بررسی‌های گسترده‌ی وی در این زمینه می‌دانند: «تروریسم، شیوه‌ی اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ورزی جنایی، و یا سیاسی، توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود.» (جی بدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹)

علاوه بر این، در فرهنگ‌های علوم سیاسی نیز تعاریف متعدد ذیل درباره‌ی تروریسم آمده است:

1- Frequencies of Definitional Elements in 109 Definitions... (Schmid, 1988: 5)

الف- اقدامات عوامل دولتی یا غیردولتی که در تلاش‌های خود در جهت نیل به اهداف سیاسی از شیوه‌های خشونت‌آمیز بهره می‌جویند. شیوه‌های مورد استفاده‌ی تروریست‌ها مشتمل بر هواپیماربایی، گروگان‌گیری، خرابکاری، بمب‌گذاری، بانک‌زنی، آدم‌ربایی سیاسی و آدم‌کشی‌اند. سازمان‌های تروریستی از طریق اقدامات خود، نوعاً برای جلب توجه رسانه‌ها و مردم تلاش می‌کنند. (پلنو، ۱۳۸۷: ۳۳۲)

ب- ترور، اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون‌ریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است. اشخاصی که دست به ترور می‌زنند، تروریست نامیده می‌شوند. ترور شخصیت یا ترور روانی یعنی ترساندن افراد از طریق هدف قرار دادن روحیه، حس شهادت و اعتبار آن‌ها. رژیم ترور نیز به رژیمی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد وحشت، تهدید، حبس و کشتار مخالفان خود حکومت می‌کند. (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۶۷۷)

ج- نوام چامسکی معتقد است: «تروریسم، کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا غیره است.» (هادویان، ۱۳۸۲: ۳۳)

وزارت دفاع آمریکا، کاربرد یا تهدید به کاربرد غیرقانونی زور یا خشونت توسط یک سازمانی انقلابی، ضد اشخاص یا اموال و به قصد مجبور ساختن یا ارباب حکومت‌ها یا جوامع که غالباً با اهداف سیاسی و ایدئولوژیک همراه باشد را تروریسم دانسته است. (فیض الهی، ۱۳۸۹: ۳۱)

وجه مشترک تمام این تعریف‌ها استفاده از زور و خشونت به منظور رسیدن به اهداف سیاسی است.

از لحاظ مفهوم اجتماعی نیز می‌توان به تعریف آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، اشاره کرد: «تروریسم، اعمال ترور به صورتی منظم و سازمان‌یافته را می‌رساند و ترور به معنای حالت و یا احساس ترس دسته‌جمعی است که خشونت و کشتار بی‌حساب موجد آن است. تروریسم نه فقط با استفاده از وسایلی که می‌توانند زندگی و امنیت افراد را مورد سوء قصد قرار دهند، صورت می‌یابد، بلکه از طریق تخریب

خشونت‌آمیز خدمات عمومی و یا تجهیزات زیربنایی متعلق به یک جمع نیز اعمال می‌شود.» (بیرو، ۱۳۶۶: ۴۲۶)

#### ۴-۱. تعریف ترور در قوانین ایران

تا پیش از اواخر سال ۱۳۹۴، هیچ‌گونه اثری را از واژه‌ی ترور و یا تروریسم در قوانین ایران نمی‌یافتیم. اما با تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۹۴، که برگرفته از کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۹ است؛ فصل جدیدی از تقنین در حوزه‌ی تروریسم را شاهد هستیم.

در ماده‌ی نخست قانون مذکور آمده است که «تهیه و جمع‌آوری عامداً و عالماً وجوه و اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی که مرتکب یکی از اعمال زیر می‌شوند، تأمین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می‌شود:

الف- ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوءقصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران

ب- ارتکاب اعمال زیر با مقاصد مذکور در بند (الف)

۱- خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیردولتی؛

۲- ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش زدن جنگل‌ها؛

۳- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت

غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)؛  
۴- تولید، تهیه، خرید و فروش و استفاده‌ی غیرقانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات؛

پ- ارتکاب اعمال زیر صرف نظر از انگیزه‌ی مرتکب و نتیجه‌ی حاصله  
۱- اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی؛  
۲- تصرف هواپیمای در حال پرواز و اعمال کنترل غیرقانونی بر آن؛  
۳- ارتکاب خشونت علیه مسافر یا مسافران و خدمه‌ی هواپیما یا اعمال خطرناک علیه اموال موجود در هواپیمای در حال پرواز؛  
۴- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت، غنی‌سازی و انفجار غیرقانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر و یا مواد هسته‌ای به میزان غیرقابل توجیه برای اهداف درمانی، علمی و صلح آمیز؛  
۵- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)؛  
۶- دزدی دریایی، تصرف غیرقانونی کشتی و یا اعمال کنترل غیرقانونی بر آن و یا به خطر انداختن ایمنی کشتی‌رانی از طریق ارائه‌ی آگاهانه‌ی اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی، محموله و خدمه یا مسافران آن؛  
۷- تصرف یا کنترل غیرقانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت‌بار علیه افراد حاضر در آن‌ها و هرگونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد خطر برای ایمنی این مناطق؛  
۸- بمب‌گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه‌ی حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی؛

ت- ارتکاب جرائمی که به موجب قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، جرم تروریستی شناخته شده؛ در صورت الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها

تبصره ۱- برای تعقیب تأمین‌کننده‌ی مالی اقدامات تروریستی علیه سایر

کشورها صرف نظر از محل ارتکاب جرم، تابعیت و محل اقامت مجرم مفاد این قانون به شرط اقدام متقابل اعمال می‌شود.

تبصره ۲- اعمالی که افراد، ملت‌ها یا گروه‌ها یا سازمان‌های آزادی‌بخش برای مقابله با اموری از قبیل سلطه، اشغال خارجی، استعمار و نژادپرستی انجام می‌دهند، از مصادیق اقدامات تروریستی موضوع این قانون نمی‌باشد. تعیین مصادیق گروه‌ها و سازمان‌های مشمول این تبصره بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است.»

همانطور که بیان گردید تا پیش از تصویب این قانون، تروریسم در حقوق ایران، ظهوری مستقیم نداشته و رسیدگی به جرائمی با ماهیت تروریستی بر اساس مواد متعددی بوده است که تفصیل آن در بخش بعدی خواهد آمد. اما در این قانون که اگرچه برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم و نه مبارزه‌ی مستقیم با خود تروریسم است، برای نخستین بار، تعریفی نسبتاً پیچیده و در خور تأمل و نقد از افراد و سازمان‌های تروریستی مطرح شده است.

از جمله نقدهای وارد بر این قانون می‌توان به کلیت موضوع اشاره نمود که چرا اولین اقدام تقنینی در حوزه‌ی تروریسم به صورت ناقص بوده و علی‌رغم تعریف، نسبت به جرم‌انگاری آن اقدام نشده است.

همچنین در خصوص مفاد آن، ذکر افراد دارای مصونیت قانونی؛ دیپلمات‌ها و نمایندگان کشورها را متبادر به ذهن می‌کند در حالی که به نظر می‌رسد این عبارت، ناشی از ترجمه‌ای اشتباه از کنوانسیون باشد.

در بند ب از ماده‌ی دوم کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم با ذکر عبارت "civilian" آمده است: «هر اقدام دیگری که به قصد کشتن یا وارد آوردن جراحات شدید جسمانی به افراد غیرنظامی صورت پذیرد یا به هر فرد دیگری که سهم فعالی در خصومت‌ها طی منازعات مسلحانه نداشته باشد...»<sup>۱</sup> و یا در برخی از اسناد بین‌المللی از عبارت "innocent people" استفاده شده که به مفهوم شخص غیررزمنده و غیرمحکوم به اعدام است.

1- "(b) Any other act intended to cause death or serious bodily injury to a civilian, or to any other person not taking an active part in the hostilities in a situation of armed conflict..." (<http://www.un.org/law/cod/finterr.htm>)

از دیگر اشکالات وارد بر این قانون، تبصره‌ی دوم ماده‌ی یک و تکلیف شورای عالی امنیت ملی مبنی بر تعیین مصادیق سازمان‌های آزادی‌بخش و غیرتروریسم به منظور خروج از دایره‌ی شمول این قانون است که اگرچه بازتاب پذیرش محتاطانه‌ی توصیه‌نامه‌های گروه اقدام مالی (FATF) است، لکن از نگاه تقنینی به نظر می‌رسد نیازمند اصلاح فوری بوده و بالعکس می‌بایست تکلیفی مبنی بر احصای مصادیق این ماده و تهیه‌ی لیست گروه‌های تروریستی را برعهده‌ی شورای عالی امنیت ملی نهاد. چرا که اصل بر برائت است، مگر خلاف آن اثبات شود، نه آنکه اصل بر تروریستی بودن گروه‌ها و سازمان‌ها دانسته شده و تعیین مستثنیات آن را برعهده شورا قرار دهیم.

## ۲. تحلیل قوانین کیفری ایران در خصوص تروریسم

پس از بررسی تعاریف و مفاهیم مذکور، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مشترک و پر تکرار، می‌توان گفت که شاخصه‌ی اصلی اقدامات تروریستی، ایجاد ترس و دلهره‌ی شدید در مردم به همراه خشونت و توسل به زور است که از طریق شیوه‌هایی همچون هواپیماربایی، گروگان‌گیری، خرابکاری، بمب‌گذاری، بانک‌زنی، آدم‌ربایی و قتل با اسلحه و غیر آن به وقوع می‌پیوندد.

اعمال خشونت و ایجاد وحشت موردنظر در چنین اقداماتی، به صورت غیرقانونی بوده و طبیعتاً مصادیقی همچون دفاع مشروع و همچنین اصل مجازات را در برنمی‌گیرد. چرا که بسیاری از مجازات‌های کیفری توأم با ماهیتی خشونت‌آمیز هستند، ولی خشونت قانونی که لازمه‌ی حیات جامعه و استقرار نظم است. سیاست جنایی دربرگیرنده‌ی کلیه‌ی تدابیر کنشی و واکنشی به منظور مبارزه با بزهکاری است؛ که در حوزه‌ی تروریسم با عطف به رویکرد سزادهی، صرفاً شاهد اقداماتی واکنشی از جنس مجازات در لابلای قوانین کیفری ایران می‌باشیم.

از آنجا که ارتکاب اقدامات تروریستی هم از ناحیه‌ی اشخاص حقیقی و هم از ناحیه‌ی اشخاص حقوقی متصور است، به طور جداگانه به بررسی سیاست تقنینی ایران در قبال هر کدام پرداخته می‌شود.

## ۱-۲. قوانین مربوط به اشخاص حقیقی تروریست

### ۱-۱-۲. سلاح‌کشی و جنایت بر نفس

قانون‌گذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تعریف مصداقی جنایت عمدی بر نفس پرداخته و اشاره می‌کند: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.»

و در ماده ۱۶ آن قانون بیان می‌دارد: «فصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است.»

لذا در صورت وقوع اقدام تروریستی بوسیله‌ی قتل یک یا چند نفر از مردم، مرتکب با مجازات قصاص روبرو خواهد شد. لازم به ذکر است که بند ت ماده‌ی مذکور، در قانون قبلی وجود نداشته و در واقع جرم‌انگاری یکی از مصدق اقدامات تروریستی، یعنی کشتن فرد یا جمع نامعین بوسیله‌ی بمب‌گذاری کور تلقی می‌گردد. اگر اقدام وحشت‌افکن مرتکب، با کشیدن سلاح، مقرون باشد، عمل وی می‌تواند مصداق محاربه باشد که در فصل هشتم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدان اشاره رفته است.

قانون‌گذار در ماده ۲۷۹ بیان می‌دارد: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه‌ی شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه‌ی عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.»

مجازات محارب نیز طبق ماده ۲۸۲ قانون مذکور، عبارتست از اعدام یا صلب یا قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد که طبق ماده ۲۸۳ انتخاب آن به اختیار قاضی خواهد بود.

### ۲-۱-۲. ارباب با تهدید به بمب‌گذاری

در ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ آمده است که: «هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی، تهدید به بمب‌گذاری هواپیمای، کشتی و وسایل نقلیه‌ی عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب‌گذاری شده است، علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.»

لذا تهدید به بمب‌گذاری یا ادعا مبنی بر وجود بمب که طبعاً توأم با وحشت‌افکنی و ارباب است، از دیگر مصادیق اقدامات تروریستی می‌باشد که به حوزه‌ی تقنین راه یافته است.

البته از آنجا که قانون مذکور در شرف تحول است، ماده‌ی مذکور نیز در لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات) مصون از تغییر نمانده و در ماده ۴ آن لایحه اشاره شده است که: «هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی، تهدید به بمب‌گذاری یا قرار دادن مواد شیمیایی یا میکروبی یا سمی کشنده در اماکن عمومی از قبیل پایانه‌های مسافربری هوایی، زمینی و دریایی، ایستگاه‌های قطار شهری، ادارات دولتی یا وسایل نقلیه‌ی عمومی بنماید، یا با همان قصد و به دروغ ادعا کند که در اماکن یا وسایل مزبور، بمب‌گذاری شده یا مواد شیمیایی یا میکروبی یا سمی کشنده قرار داده شده، به حبس تعزیری درجه‌ی شش محکوم می‌شود.»

### ۲-۱-۳. اخلال در امنیت پرواز و هواپیماربابی

طبق قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسائل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹:

الف- کسانی که با اجبار یا ارباب و تهدید یا اعمال خدعه و نیرنگ، هواپیمای



آماده برای پرواز یا در حال پرواز را در اختیار بگیرند یا به نحوی از اختیار مسئولین خارج ساخته و موجب تغییر مسیر یا مقصد هواپیما شوند، یا در نقطه‌ای غیر از مقصد، هواپیما را مجبور به فرود نمایند، به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌شوند و در صورتی که ارباب و تهدید با استفاده از سلاح یا مواد منفجره یا محترقه یا خطرناک دیگر صورت گیرد، چنانچه مرتکب، یک نفر باشد، به حداکثر مجازات مقرر بالا و اگر بیش از یک نفر باشند، به حبس دائم با اعمال شاقه محکوم می‌شوند...»

البته این جرم در ماده ۲۹ لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی (کتاب

پنجم- تعزیرات) با تغییراتی به شرح ذیل پیشنهاد شده است:

«هر کس با توسل به خشونت، اجبار، تهدید، ارباب، فریب یا به هر نحو دیگر، هواپیما، کشتی یا قطار در حال حرکت یا آماده‌ی حرکت را در اختیار بگیرد یا از کنترل مسئول مربوط خارج کند یا هدایت آن را برعهده بگیرد یا موجب تغییر مسیر یا مقصد آن شود و یا در مکانی غیر از مقصد اصلی، آن را متوقف نماید، به حبس تعزیری درجه‌ی سه محکوم می‌شود.

تبصره ۱- چنانچه اقدامات مذکور با استفاده از سلاح یا مواد منفجره یا مواد خطرناک دیگری ارتکاب یابد و یا مرتکب بیش از یک نفر باشد، به حداکثر مجازات مقرر فوق محکوم می‌شود...»

لازم به ذکر است که پیش از تنظیم قوانین مذکور، کنوانسیون توکیو<sup>۱</sup> به عنوان اولین سند چندجانبه‌ی حقوقی راجع به جرائم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ یعنی در سال ۱۳۴۲ مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ ماده تصویب گردید که ایران نیز در سال ۱۳۵۴ ه.ش به آن ملحق شد.

به موجب ماده ۱۱ این کنوانسیون؛ هرگاه شخصی، داخل هواپیما از طریق غیرقانونی و یا توسل به زور یا تهدید به زور، مرتکب عمل مداخله و تصرف و یا اعمال کنترل هواپیمای در حال پرواز بشود و یا هرگاه چنین عملی در شرف وقوع باشد، دول متعاقد، برای حفظ و یا بازگرداندن کنترل هواپیما به فرماندهی قانونی آن، کلیه‌ی تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند نمود.

1- Convention on Offences and Certain Other Acts Committed on Board Aircraft, signed at Tokyo on 14 September 1963 .

فصل دوم این کنوانسیون به موضوع صلاحیت دولت به منظور رسیدگی به جرائم ارتكابی داخل هواپیما اختصاص یافته است که با توجه به الحاق و پذیرش کنوانسیون از طرف ایران، ضروری است قبل از ورود به بررسی عناصر سه‌گانه‌ی قانونی، مادی و معنوی جرم، نخست به بررسی اصل صلاحیت بر طبق مفاد این کنوانسیون پرداخته شود.

فصل دوم این کنوانسیون اشعار می‌دارد:

ماده ۳-۱- دولت ثبت کننده هواپیما، برای رسیدگی به جرائم و اعمال ارتكابی در هواپیما صالح می‌باشد.

۲- هر یک از دول متعاقد، اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود به عنوان دولت ثبت کننده در مورد رسیدگی به جرائم ارتكابی در هواپیمایی که نزد او به ثبت رسیده است معمول خواهد داشت.

۳- این کنوانسیون به هیچ یک از صلاحیت‌های جزایی که به موجب قوانین داخلی اعمال می‌گردد خللی وارد نمی‌کند.

ماده ۴- دولت متعاهدی که دولت ثبت کننده‌ی هواپیما نباشد، نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتكابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد مشروحه‌ی ذیل:

الف- جرم در سرزمین آن دولت، اثراتی ایجاد کند.

ب- جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتکاب یافته باشد.

ج- جرم، امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد.

د- جرم، ناقض قواعد یا مقررات جاری آن دولت ناظر به پرواز و یا مانور هواپیما باشد.

ه- اعمال صلاحیت، برای رعایت تعهدات ناشی از یک موافقتنامه‌ی چند جانبه بین‌المللی برای آن دولت ضروری باشد.

علاوه بر کنوانسیون توکیو، کنوانسیون لاهه<sup>۱</sup> نیز در سال ۱۹۷۰ به منظور

1- Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, signed at the Hague on 16 December 1970

سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما تصویب شد. این کنوانسیون که با هدف تقویت همکاری هر چه بیشتر میان کشورهای عضو در خصوص هواپیمارمایی به وجود آمد، ضمن تعریف جرم هواپیمارمایی، کشورهای عضو را ملزم به وضع مجازات‌های شدید علیه مرتکبین چنین اعمالی در قوانین کیفری کشورشان می‌نماید. همچنین کنوانسیون مونترال<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۱ به منظور تکمیل کنوانسیون لاهه و تعریف سایر اعمال خشونت‌آمیز این حوزه، تصویب گردید. این دو کنوانسیون با تصویب ایران، به قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما منضم شده است.

## ۲-۱-۴. آدم‌ربایی و گروگان‌گیری

در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، اشاره به یکی دیگر از مصادیق اقدامات تروریستی به لحاظ عنصر مادی نموده و بدون قائل بودن تفاوتی میان آدم‌ربایی و گروگان‌گیری، در ماده ۶۲۱ بیان می‌دارد: «هرکس به قصد مطالبه‌ی وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره- مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.»

و در ماده ۶۳۱ همان قانون نیز اشعار می‌دارد: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور، مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

1- Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Civil Aviation, signed at Montreal on 23 September 1971

## ۲-۱-۵. جرائم گسترده و قیام مسلحانه

افساد فی الارض و بغی، دو عنوان مجرمانه‌ای هستند که به تبعیت از متون فقهی، برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم‌انگاری شده و بدین ترتیب، به لحاظ عناصر مادی، بسیاری از مصادیق اقدامات تروریستی را تحت پوشش قرار می‌دهند.

قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ اشعار می‌دارد: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.» و در خصوص بغی در ماده‌ی بعدی آن اشاره می‌دارد: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

## ۲-۲. قوانین مربوط به اشخاص حقوقی تروریست

بر اساس آنچه که در تمامی کتب و متون مربوطه آمده، اشخاص حقوقی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) اشخاص حقوقی حقوق عمومی که در قلمروی حقوق عمومی و تشکیلات کشوری و ارتباط سازمانی با افراد جامعه در دو بعد اعمال تصدی و اعمال حاکمیت، ایفای نقش می‌کنند. دولت، شوراهای محلی و مؤسسات عمومی حمل و نقل از جمله‌ی این اشخاص هستند که به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند. (ماده ۵۸۷ قانون تجارت)

ب) اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که به تنظیم روابط خصوصی بین افراد می‌پردازند. شرکت‌های تجاری - که به محض ایجاد، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. (ماده ۵۸۳ قانون تجارت)، مؤسسات غیرتجاری که از تاریخ ثبت در دفتر

مخصوص وزارت عدلیه، شخصیت حقوقی می‌یابند. (ماده ۵۸۴ قانون تجارت) و موقوفات، اعم از موقوفه‌ی عام (قانون اوقاف ۱۳۵۴) - که بدون نیاز به اجازه‌ی دولت یا ثبت در دفاتر، ایجاد می‌گردد- و موقوفه‌ی خاص (قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ۱۳۶۳) که پس از تشریفات ثبت ایجاد می‌گردد. (صفر، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۳۰)

اما علاوه بر این تقسیم‌بندی مشهور؛ با عنایت به منطوق و مفهوم قوانین متعدد موجود، چندین نکته و همچنین تقسیم‌بندی جدیدی به دست می‌آید. در قوانین قبل از سال ۱۳۹۲ که به صورت موردی به موضوع شخصیت حقوقی اشاره رفته بود مصادیقی را همانند موارد ذیل شاهد هستیم:

- شرکت‌های تجاری (ماده ۵۸۳ قانون تجارت)
- مؤسسات غیرتجاری همانند انجمن‌ها، کانون‌ها و بنگاه‌های علمی، ادبی، امور خیریه و... (ماده ۵۸۴ قانون تجارت)
- دانشگاه تهران (قانون تأسیس آن دانشگاه)
- مؤسسه‌ی پزشکی و دارویی (قانون مقررات امور پزشکی و...)
- مؤسسه (قانون اقدامات تأمینی)
- شرکت بیمه (قانون تأمین اجتماعی)
- حزب (قانون احزاب)
- مؤسسات ترابری جاده‌ای (قانون الزام شرکت‌ها و...)

همچنین در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ شاهد وضع مجازات‌های از قبیل انحلال برای اشخاص حقوقی متخلف می‌باشیم که در نتیجه از مجموع مصادیق قوانین گذشته و همچنین مجازات‌های در نظر گرفته شده در قانون جدید، این نتیجه حاصل می‌گردد که شخص حقوقی مسئول از دیدگاه قوانین ما شخصی است که ثبت شده باشد و در واقع شرط ثبت از مفهوم و حتی منطوق بعضی از قوانین مذکور، برداشت می‌گردد.

به طور مثال در ماده ۵۸۴ قانون تجارت صراحتاً بیان شده است که: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا

می‌کنند.» و یا در ماده ۴ قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ صحبت از تعطیلی مؤسسه‌ی پزشکی و دارویی معتبری شده که دارای پروانه‌ی اشخاص ذیصلاحیت است ولی توسط افراد فاقد صلاحیت اداره می‌شود.

همچنین در تبصره ۱ ماده ۶ قانون احزاب آمده است که «کلیه‌ی گروه‌ها موظفند مرامنامه، اساسنامه، هویت هیأت رهبری خود و تغییرات بعدی آن‌ها را به اطلاع وزارت کشور برسانند.» و در ماده ۸ بیان می‌کند: «به وزارت کشور اختیار داده می‌شود با رعایت این قانون، نسبت به ثبت گروه‌ها و صدور پروانه برای آن‌ها اقدام نماید.»

اصولاً وقتی که صحبت از مجازات انحلال و تعطیلی مؤسسه می‌شود مؤکد این مفهوم است که تشکیل آن مجموعه به موجب قانون و ثبت رسمی باشد که در نتیجه بتوان آن را از ادامه‌ی فعالیت، بازداشت و حکم انحلال را اعلام نمود. بر این اساس می‌توان شخص حقوقی را بر دو دسته‌ی عام و خاص تقسیم نمود.

بدین ترتیب هرگاه مجموعه‌ای از اشخاص برای هدفی معین، گرد هم آیند و گروهی را تشکیل دهند، دارای شخصیتی حقوقی به مفهوم عام آن شده و اگر همین مجموعه، طی تشریفات خاص و بر اساس ضوابط قانونی، ثبت گردد و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیفی قانونی را پیدا نماید، واجد عنوان شخصیت حقوقی خاص خواهد شد.

تفاوت این دو دسته در اینجاست که صرفاً شخص حقوقی خاص که متضمن شرط ثبت قانونی - به مثابه‌ی آغاز حیات - است، در قوانین ج.ا.ا. به عنوان شخص مسئول معرفی شده و در صورت ایراد خسارت، تخلف و ارتکاب جرم، از سوی قانون‌گذار با مجازات‌هایی از قبیل انحلال - به مثابه‌ی مرگ آن - روبرو خواهد شد.

حال سوال اینجاست که اشخاص حقوقی عام و به تعبیری غیرقانونی همانند گروه‌های تروریستی پژاک، داعش و منافقین که هیچ یک از مراحل قانونی و ثبت را طی ننموده و صرفاً جمعیت و گروهی انسانی به منظور نیل به هدفی مشخص می‌باشند، در صورت ارتکاب جرمی به نام و در راستای منافع آن گروه، با چه مجازات‌هایی روبرو خواهند شد و اصولاً امکان قانونی مجازات آن‌ها وجود دارد یا خیر؟

تا قبل از سال ۱۳۹۲ مسلماً هیچ‌یک از قوانین مورد اشاره، ناظر به محکومیت این دسته از اشخاص حقوقی نبوده و صرفاً مصادیق و موضوعات خاصی را بیان نموده است. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نیز همان‌طور که بیان شد، نوع مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰، حاکی از شرط ثبت برای اشخاص حقوقی بوده و به تعبیری، صرفاً مفهوم خاص شخصیت حقوقی را قابل کیفر می‌داند.

آنچه که در ماده ۲۲ نیز اشاره شده مبنی بر اینکه «انحلال شخص حقوقی و مصادره‌ی اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.» از باب تساهل و خطای تقنینی بوده و به معنای متصور دانستن تشکیل یک گروه برای ارتکاب جرم نمی‌باشد. چرا که در اینصورت، اصولاً حق قانونی برای تشکیل نداشته و مجوز لازم را نیز دریافت نخواهد کرد. لذا حکم انحلال برای مجموعه‌ای که ابتدائاً غیرقانونی بوده و ثبت نشده است، بی‌معنا خواهد بود.

مشابه این خطای تقنینی را در پیش‌نویس لایحه‌ی قانون مبارزه با تروریسم که دولت در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود شاهد هستیم. به موجب ماده‌ی شش این پیش‌نویس، «سازمان‌ها، انجمن‌ها، تشکل‌ها، گروه‌ها و دسته‌هایی که طبق اساسنامه، مرامنامه یا رویه‌ی عملی، ارتکاب اعمال تروریستی را مجاز دانسته یا اقدام به ارتکاب چنین جرائمی نمایند، گروه تروریستی محسوب خواهند شد، هرچند ارتکاب آن اعمال توسط اعضا و هواداران آن انجام گرفته باشد...» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۴)

به نظر می‌رسد دقت قانون‌گذار در نگارش ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نسبت به مواد مذکور بیشتر بوده است. بند دال این ماده اشاره می‌دارد: «هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.» و نه آنکه ابتدائاً برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد.

اما مواد دیگری از قانون مجازات نیز ممکن است برای محکومیت چنین گروه‌هایی، استناد شود که لازم است توضیحاتی در رابطه با آن‌ها بیان گردد.

در ماده ۱۳۰ آمده است: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض، زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته‌ی گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتكاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتكاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره‌ی گروه مجرمانه است.»

آنچه که باید در خصوص این ماده، مورد دقت قرار گیرد این است که تبصره‌ی ماده، صرفاً به تعریف گروه مجرمانه پرداخته و صحبتی از نوع و میزان مجازات آن نکرده است. در واقع در ضمن جرم‌انگاری صورت گرفته برای مجازات شخص حقیقی سردسته، به توضیح لازم در خصوص گروهی که سردستگی آن را داشته است پرداخته و لذا امکان استناد به این ماده برای محکومیت یک شخص حقوقی وجود ندارد.

فرض نماییم در رسیدگی به پرونده‌ی اتهامات یک گروه تروریستی، بهره‌گیری از این ماده به قاضی پرونده پیشنهاد گردد. طبیعتاً امکان استناد قاضی به این ماده وجود نخواهد داشت چرا که وی نیازمند بیان نوع جرم و مجازات آن می‌باشد. در حالیکه مجازات شخص حقوقی مطرح شده در ماده، مغفول مانده است.

و یا در خصوص حکم بغی نیز که از تحولات قانون جدید نسبت به قانون قدیم بوده، صرفاً به شناسایی یک گروه و معرفی آن پرداخته و هیچ‌گونه مجازاتی را برای شخص حقوقی، تعیین ننموده است، بلکه با گذر از کیفر آن، به مجازات اشخاص حقیقی عضو آن پرداخته است. لذا در مجازات شخصیت حقوقی گروه‌های تروریستی به مفهوم عام آن، دچار خلأ قانونی هستیم.



اگرچه برخی از نویسندگان در این موضوع به خطا رفته‌اند و اختصاص مجازات انحلال برای گروه‌های تروریستی را متناسب توصیف کرده‌اند. «ماده ۲۱ [پیش‌نویس] لایحه [مبارزه با تروریسم] برای گروه‌های تروریستی ضمانت اجرای کیفری متناسب با شخصیت حقوقی آن‌ها در نظر گرفته است. بر اساس این ماده، گروه‌های تروریستی علاوه بر مجازات‌های مقرر قانونی، منحل و کلیه اموال، دارایی‌ها و حساب‌های آن‌ها به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران مصادره می‌گردد.» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۴)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## برآمد

اگرچه برخی از نویسندگان در این موضوع به خطا رفته‌اند و اختصاص مجازات انحلال برای گروه‌های تروریستی را متناسب توصیف کرده‌اند. «ماده ۲۱ [پیش‌نویس] لایحه [مبارزه با تروریسم] برای گروه‌های تروریستی ضمانت اجرای کیفی متناسب با شخصیت حقوقی آن‌ها در نظر گرفته است. بر اساس این ماده، گروه‌های تروریستی علاوه بر مجازات‌های مقرر قانونی، منحل و کلیه اموال، دارایی‌ها و حساب‌های آن‌ها به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران مصادره می‌گردد.» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۴)

وجود عناوینی حدی همچون محاربه، افساد فی الارض، بغی و عناوین تعزیری همچون تشکیل و اداره‌ی یک گروه تروریستی، عضویت در یک گروه تروریستی، تهدید به بمب‌گذاری، هواپیماربایی و آدم‌ربایی سبب شده است که مجرم تروریست نتواند به بهانه‌ی عدم جرم‌انگاری عنوان تروریسم از کیفر مصون بماند و قاضی محکمه‌ی کیفری دچار سرگردانی نشود. البته گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی، عقوبتی را در مجموعه قوانین برای خود نمی‌بایند و صرفاً به موجب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به عنوان یک گروه تروریستی شناخته می‌شوند. مجازات این دسته از اشخاص حقوقی عملاً با مجازات اعضای آن و جلوگیری از تأمین مالی آن دنبال می‌شود.

لذا بر اساس همین رویکرد پیشگیرانه و جازم با پوشش غالب مصادیق و عناصر مادی تروریسم، دستگاه قضا به نوعی بی‌نیاز از وضع قوانین جدید شده و در طول سالیان گذشته هیچ‌گاه احساس ضرورت و لزوم مجاب نمودن دستگاه تقنین برای ورود به این موضوع را شاهد نبوده‌ایم.

لکن به نظر می‌رسد روی آوردن به روش‌های خشونت‌آمیز، که غالباً در پی خدشه‌دار شدن وجدان عمومی و کم‌توجهی آنان به هنجارها و تعهدات دینی و اجتماعی بوده و در قالب تروریسم و شورش بروز می‌نماید؛ دستخوش تحولات و دگرگونی‌هایی شده است که قاعدتاً سیاست تقنینی کشورهای مختلف از جمله ایران و همچنین سیاست تقنینی در سطح بین‌المللی را دچار چالش و وادار به تحرک خواهد نمود.

- به طور مثال اگر عضوی از گروه تروریستی داعش در حین گذر از سوریه به افغانستان، در ایران دستگیر شود، مقام قضایی ج.ا.ا بر اساس چه ماده‌ای و با کدام ظرفیت قانونی می‌تواند به محکومیت وی بپردازد؟!

- آیا عضویت در یک گروه تروریستی بین‌المللی، قابلیت محکومیت کیفری از طرف دادگاه‌های ایران را دارد؟!

- آیا صلاحیت جهانی محاکم ایران برای رسیدگی به مجرمین بین‌المللی که در خاک ایران یافت می‌شوند دچار هیچ‌گونه ابهام و نیازمندی تقنینی نیست؟!

- آیا نظام کیفری ایران با نظام کیفری بین‌المللی، زبان و ادبیات مشترک دارد و به طور مثال نسبت به جرم‌انگاری نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، تجاوز ارضی، جنایات جنگی، تروریسم و... اقدام نموده است؟!

- آیا در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی همچون اعلان قرمز و تحت تعقیب قرار دادن متهمین و به دنبال آن، درخواست استرداد مجرمین به صورت دوجانبه و بر پایه‌ی اقدام متقابل، و یا بر اساس موافقت‌نامه؛ دچار کاستی و اشکال در اجرا نیستیم؟! و درخواست‌های صدور اعلان و یا استرداد به اتهاماتی همچون محاربه، افساد فی الارض و... با موافقت روبرو می‌شوند؟!

- اگر یک گروه تروریستی در ایران اعلام موجودیت نماید و مرتکب جرایمی به نام و یا در راستای منافع آن گروه شود، آیا امکان محکومیت کیفری شخصیت حقوقی آن وجود دارد؟!

و بسیاری از سوال و ابهامات اساسی و در خور تأملی که می‌بایست دست‌اندرکاران حوزه‌ی تقنینی ج.ا.ا را وادار به واکنش و تحول نموده و حداقل بر آن دارد که نسبت به چاره‌اندیشی در خصوص پراکندگی قانونگذاری در حوزه‌ی تروریسم، و در نتیجه تدوین قانون جامع مبارزه با آن اقدام نموده و با جرم‌انگاری عناوین کیفری جدید و بین‌المللی همچون تروریسم، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و... گامی در راستای ایجاد هم‌بانی کیفری با نظام حقوق بین‌المللی به منظور تسهیل در تعاملات قضایی و غیرقضایی بردارد.

## منابع

- آریان پور کاشانی، عباس (۱۳۶۳) *فرهنگ کامل انگلیسی-فارسی*، جلد پنجم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- آقاباقری، محمد جواد (۱۳۹۱) *دفاع پیش‌دستانه، با بررسی فقهی و حقوقی شیوه‌های آن: منازعات مسلحانه (جهاد)، ترور و عملیات انتحاری (استشهادی)*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- ابن منظور، لسان العرب (۱۴۱۶ ه.ق) *الجزء العاشر و الجزء الثالث*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- افتخاریان، محمد حسین (۱۳۸۰) *دانش‌نامه‌ی جنگ و صلح*، فرهنگ بزرگ دانشگاهی سیاست بین‌الملل، همدان: انتشارات مسلم.
- بوستانی، قاسم (بی‌تا) *فرهنگ مبین*، ترجمه‌ی کامل المنجد الابدی، بی‌جا: انتشارات فقیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷) *فرهنگ حقوقی*، تهران: گنج دانش
- جوزی، عبدالرحمن (۱۴۰۵ ه.ق) *غریب الحدیث*، المجلد الثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳) *لغت‌نامه‌ی دهخدا*، جلد ۱۴، تهران: دانشگاه تهران.
- زمخشری، محمود (بی‌تا) *الفائق فی غریب الحدیث*، الجزء الثالث، حلب: بی‌نا.
- صفار، محمد جواد (۱۳۹۰) *شخصیت حقوقی*، تهران: انتشارات بهنامی.
- طبرسی، فضل (۱۳۹۹ ه.ق) *إعلام الوری بأعلام الهدی*، بیروت: دارالمعرفه.
- فرهیخته، شمس‌الدین (۱۳۷۷) *فرهنگ فرهیخته* (واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی - حقوقی)، تهران: انتشارات زرین.
- فیض‌الهی، روح‌الله (۱۳۸۸) *نقد و بررسی ترور در قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

- لازرژ، کریستین (۱۳۷۵) *سیاست جنایی*، ترجمه‌ی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات یلدا.
- معلوف، لویس (۱۳۸۷) المنجد، جلد اول و دوم، ترجمه‌ی محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
- میرزایی، نجف علی (۱۳۷۶) *فرهنگ اصطلاحات معاصر (عربی فارسی)*، قم: دارالاعتصام.
- جی بدی، توماس (۱۳۷۸) «تعریف تروریسم بین‌المللی: نگرش علمی»، ترجمه‌ی رضا میرطاهر، تهران: فصل‌نامه مطالعات راهبردی. شماره ۵ و ۶.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر؛ حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۶)، *ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران*، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۶) مقاله «*تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران*»، تهران: نشریه‌ی تحقیقات حقوقی آزاد، شماره‌ی یک.
- هادویان، غلامحسین (۱۳۸۲) «*مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن*»، فصلنامه‌ی مصباح، تهران: دانشکده و پژوهشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، شماره ۴۵.
- Amiel, Philippe (1987), *Le dictionnaire du français HACHETTE*, Évreux: l'Imprimerie Hérissey.
  - Bedjaoui, Mohammed (1991), *International Law: Achievements and Prospects*, Paris: Martin Nijhoff Publisher.
  - Burgess, Patrick (2004), *Justice and Reconciliation in East Timor. The Relationship Between the Commission for Reception, Truth and Reconciliation and the Courts*, In Truth Commissions And Courts, The Tension Between Criminal Justice and the Search for Truth, by William A. Schabas, Shane Darcy, Amsterdam: Kluwer Academic Publishers.
  - Burke, Jason (2004), *Al-Qaeda: The True Story of Radical Islam*, London: I.B. Tauris.

- Campbell Black, Henry (1979), *Black's Law Dictionary, Definition of the terms and phrases of american and english jurisprudence, ancient and modern*, v 4, St.Paul Minn: West Publishing CO.
- Colombia University (1993), *The Colombia encyclopedia*, v 2, Boston: Houghton Mifflin Company.
- Guralnik, David B. (1984), *Webster's New World Dictionary of the English Language*, New York: Simon and Schuster.
- Jeuge-Maynard, Isabelle (2008), *Le Larousse des noms communs*, Tome 2, Paris: Pollina (Luçon).
- Robert, Paul (1964), *Le Robert, Dictionnaire alphabétique et analogique de la langue française*, Tome 5, Paris: Offset Aubin a Politiers.
- Schmid, Alex p.; Jongman, Albert J. (1988), *Political Terrorism* (A New Guide to Actors, Authors, Concepts, Data Bases, Theories, and Literature), Cambridge: Harvard University.

www.un.org - سازمان ملل متحد به آدرس:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی